

واکاوی نقش عوامل ادراکی - شناختی بر الگوهای رفتاری کودکان

با تأکید بر هوش هیجانی (مورد پژوهی: محله سجاد مشهد)

شیمای عابدی^۱، تکتیم حنایی*^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۱/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۳

صفحه ۱۵۷ تا ۱۷۶

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

با توجه به توانایی‌های شناختی کودکان در فضای شهری که شامل دریافت، ادراک و رفتار است ترکیب هوش هیجانی و رفتار یادگیری مسیر در فضاهای شهری برای کودکان مبنای توجه به ارزش‌های مهم نظیر پردازش اطلاعات، تصمیم‌گیری و اجرای تصمیم است. این پژوهش به تأثیر نقش عوامل ادراکی - شناختی بر الگوهای رفتاری کودکان با تأکید بر هوش هیجانی محله سجاد می‌پردازد. روش تحقیق در پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی است و در این راستا به منظور گردآوری داده‌ها از مشاهدات میدانی، پرسشنامه، بازدید سایت استفاده می‌شود که روش نمونه‌گیری کوکران به صورت تصادفی و تکمیل پرسشنامه هوش هیجانی مایر و سالوی و پرسشنامه که به صورت ۵ گزینه‌ای طراحی گردیده است. در این پژوهش از جامعه آماری ۱۳۱۰ نفری توسط ۲۹۸ نفر از کودکانی که ۱۰-۱۴ ساله می‌باشند تکمیل گردیده است. پس از جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS به تحلیل پرداخته شد، روش آزمون و بررسی فرضیات تحلیل با استفاده از آزمون کلموگروف-اسمیرنف، بررسی ضریب همبستگی میان دو متغیر، آزمون لون و تحلیل واریانس Anova تحلیل گردیده است. میزان آلفای کرونباخ حاصل از پرسشنامه ۰.۸۳۷ در یافته‌های حاصل از تحلیل کمی به نظر می‌رسد میان یادگیری مسیر کودکان و افزایش سن در هوش هیجانی ارتباط مستقیمی وجود دارد. گروه سنی ۱۲-۱۴ سال اعتمادبه‌نفس بالاتری در بروز رفتار یادگیری مسیر در محیط دارند. این گروه خودآگاهی بالاتری نسبت به گروه سنی ۱۰-۱۲ دارند. به میزانی که کودکان هوش هیجانی بالاتری داشته باشند سهولت بیشتری در رفتار مسیریابی در فضاهای شهری دارند.

واژگان کلیدی: ادراک، هوش هیجانی، کودکان، محله سجاد، نقشه شناختی، یادگیری

^۱ دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

^۲ دانشیار گروه شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول) toktamhane@yahoo.com

۱. مقدمه

به عقیده‌ی صاحب‌نظران علم روانشناسی و جامعه‌شناسی، دوران کودکی از اهمیت بسزایی در رشد شخصیتی و سلامت اجتماعی افراد جامعه برخوردار است. در محیط‌های شهری و فضاهای عمومی می‌توانند بستر مناسبی جهت رشد و نمو کودکان فراهم آورند. یکی از ارکان ساختاری در الگوی محلات پایدار، وجود فضاهای عمومی فعال و سرزنده هست که بتواند بستر مناسبی جهت حضور، فعالیت و تعامل اجتماعی کودکان را (به‌عنوان بخشی از افراد جامعه) فراهم آورد (جوهر تیموری و همکاران، ۱۳۹۲).

فضاهای شهری در برآورده ساختن نیازهای اجتماعی و فردی کودکان شهر، نقش منحصر به فردی دارند. این فضاها بخش عمده‌ای از زمان و محیط زندگی روزمره ساکنان از جمله کودکان را به خود اختصاص می‌دهند. همچنین آنان دوست دارند که وقت خود را در محیط‌های طبیعی صرف کرده و فعالیت داشته باشند. از این رو امکانات باید در دسترس کودکان باشد و امکان پیگیری محیط شهری امن را برای آنان فراهم سازند (اسماعیلی‌زاده کواکی، ۱۳۹۱). از آنجایی که حرکت مستقل کودکان در محیط‌های شهری همچنان کاهش می‌یابد، کودکان از همه قلمروهای زندگی شهر دورتر می‌شوند برای کودکان نیاز به تمرین و نشان دادن استقلال خود را در عموم وجود دارد، و یک محیط برنامه‌ریزی شده و طراحی شده می‌تواند از ساخت چنین مهارت‌هایی در محیط‌های شهری پشتیبانی کند این تمرینات به‌عنوان یک مداخله اساسی در محیط شهری برای تأمین قابلیت تحرک مستقل کودکان و آشنایی با

محیط مورد استفاده قرار می‌گیرد (Segal, 2015). هوش هیجانی یک مفهوم روان‌شناختی نسبتاً اخیر است که به رابطه متقابل هیجان و شناخت مربوط می‌شود (Dolev, 2012) و به‌عنوان "توانایی شناخت، درک و ارزیابی احساسات خود و همچنین دیگران و استفاده از این دانش در فکر و عمل" تعریف نموده‌اند (Nam Khanh Giao et, al: 2020). به تفاوت‌های افراد در ادراک، پردازش، تنظیم و به‌کارگیری اطلاعات هیجانی اشاره دارد (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۶). به‌طور خاص، هوش هیجانی به‌عنوان مجموعه‌ای از مهارت‌ها در نظر گرفته شده است که به ما امکان می‌دهد از احساسات برای پذیرش، درک، تنظیم خلق و خوی خود و استفاده از اطلاعات عاطفی برای بهبود فرآیندهای شناختی استفاده کنیم (Nayak, 2014). هوش هیجانی با افزایش سن، ارتقاء می‌یابد (Sharma, 2017). با توجه به اینکه در محله سجاد مراکز آموزش در مقاطع مختلف زیاد است لذا هدف از ارائه این پژوهش شناسایی توانایی‌های شناختی در یادگیری مسیر کودکان با تأکید بر هوش هیجانی در محله سجاد است. بخش اول این پژوهش به بررسی ادبیات نظری پیرامون متغیرهای اصلی پژوهش پرداخته شده است. بخش دوم به معرفی محله سجاد و بررسی وضع موجود علائم و عناصر یادگیری مسیر خیابان سجاد پرداخته شده است. با استفاده از تصویر هوایی تهیه شده از نقاط مختلف این خیابان به تحلیل علائم راهنما، عناصر شاخص، مسیرها که در فرآیند یادگیری مسیر تأثیرگذار می‌باشند پرداخته شده است. در بخش سوم پژوهش به تحلیل

یافته‌های پژوهش پیرامون مقایسه تطبیقی یادگیری مسیر کودکان در سنین ۱۰-۱۴ ساله با تأکید بر هوش هیجانی پرداخته شده است. **سؤال اصلی این پژوهش:** تاثیر عوامل ادراکی-شناختی بر الگوهای رفتاری کودکان با تأکید بر هوش هیجانی چگونه است؟ **سؤال فرعی:** تأثیر هوش هیجانی در یادگیری مسیر در محله سجاد چگونه است؟

۲. پیشینه پژوهش

در ارتباط با بررسی تجارب به مطالعه تجربیات سایر پژوهش‌ها در خصوص راهکارهایی برای افزایش سهولت مسیریابی کودکان پرداخته شده است. گلشیری و همکاران (۱۳۹۵) در پژوهش خود تحت عنوان "ارتباط هوش هیجانی و مؤلفه‌های روان‌شناختی در نوجوانان" دریافته‌های خود به تفاوت معنی‌داری بین زیرمقیاس‌های هوش هیجانی در دو جنس مختلف و همچنین، در سنین مختلف مشاهده نشده است همچنین به‌ضرورت آموزش هوش هیجانی در مدارس تأکید نمودند اشاره نموده‌اند. زینعلی و خسرو جاوید (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان "هوش هیجانی و سبک‌های حل مسئله در معتادان" به بررسی هوش هیجانی با سبک‌های درماندگی و مهارت حل مسئله و رابطه مثبت و با دو سبک حل مسئله خلاق و اعتماد به حل مسئله پرداخته‌اند. غنائی و همکاران (۱۳۸۳) در پژوهش "اثربخشی شناختی و هوش هیجانی بر حل مسائل شناختی" به قدرت حل مسئله افراد در شرایط خستگی اشاره نموده‌اند. شمس دولت‌آبادی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی تحت عنوان "ویژگی‌ها و عناصر طراحی فضاهای باز کودکان دبستانی بر اساس هوش هیجانی در فرآیند

یادگیری از دیدگاه متخصصان" به تأثیرگذارترین عوامل بر هوشمندی هوش هیجانی در فرآیند یادگیری کودکان که شامل: ابعاد فردی، اجتماعی، کالبدی، طراحی، مشارکت کودکان در طراحی و روانشناسی محیط بر فضاهای باز مدرسه در دوران ابتدایی اشاره نموده‌اند. سپاسیان و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود به بررسی نقش هیجان در تصمیم‌گیری کودکان پرداخته‌اند و یافته‌های این تحقیق نشانگر تأثیر نداشتن جنسیت بر مدت تصمیم‌گیری هست.

۳. ادراک

ادراکات یک محیط شهری چندبعدی هستند، به‌گونه‌ای که در کلیت معنی آن‌ها به ویژگی‌های ناظران، ساکنان و گردشگران وابسته است. جمع‌آوری نقشه‌های ذهنی از کیفیت بصری متمایز با تعریف اینکه چگونه ساکنان شهر عناصر بصری اصلی شهر را درک می‌کنند یکی از مهم‌ترین روش‌ها در تحلیل ادراکات شهر است (Ján OŤAHEL, 2018). ادراک سازوکار فرایندی است که مربوط به چگونگی تحریکات اعضای حسی و جمع‌آوری اطلاعات است و شناخت، سازوکار درونی فرایند و نحوه تأثیر تجارب پیشین، عوامل روان‌شناختی مانند انگیزه‌ها و ارزش‌ها و شخصیتی درون‌نگر یا برون‌نگر افراد، در تعبیر و تفسیر آن اطلاعات حسی است (شاه‌چراغی ۱۳۸۸: ۴). ادراک آن فرایند ذهنی یا روانی است که گزینش و سازمان‌دهی اطلاعات حسی و نهایتاً انطباق با معانی ذهنی را به‌گونه‌ای فعال بر عهده دارد (پاکزاد، ۱۳۹۵: ۳۱).

۴. الگو رفتاری

ای و با هدف مطالعه روان شناختی رفتار در ارتباط با محیط های کالبدی و به بیانی دیگر در ارتباط چگونگی رفتار مردم در بستر محیط شکل گرفت. روان شناسی محیطی (پارادایم شیفتی) از تأکید بر شخص به تأکید بر محیط ایجاد کرده که منجر به تبیین نظریه قرارگاه رفتاری بر پایه الگوهای رفتاری می شود (برومند و همکاران، ۱۳۹۵). در روانشناسی محیطی رفتار انسان تحت تأثیر عواملی چون عوامل فیزیکی محیط، داده‌های نمادین، داده‌های طراحی و روح محیط قرار دارد (حاتمی‌نژاد و همکاران، ۱۴۰۱).

۵. هوش هیجانی

از نظر تئوری، هوش هیجانی به مجموعه مهارت‌هایی از قبیل کنترل خود، عزم راسخ، انگیزش خود و حساسیت به احساسات دیگران اشاره دارد و شامل مهارت‌هایی است که رشد می‌یابد. در بسیاری از مطالعات انجام شده در ادبیات، تأکید شده است که مهارت‌های هوش هیجانی پایدار نیستند بلکه به‌طور مداوم تغییر می‌کنند و رشد می‌کنند. توانایی نظارت بر خود و احساسات و عواطف دیگران، برای ایجاد تبعیض در بین آن‌ها و استفاده از این اطلاعات برای هدایت تفکر و اعمال خود است. مجموعه‌ای از ویژگی‌های شخصیتی مربوط به احساسات است که در مورد نحوه مدیریت احساسات و درک تأثیر عواطف خود بر تعاملات اجتماعی به افراد مرتبط است (Ucak&Yilidrim,2020 ; Fiorilli et,al:2020;)

Kvesely-
Maillefer&Fiori,2019;Nasir&Masrur,2010

۰۱

معماری و شهرسازی با فضاهایی سروکار دارند که انواع فعالیت ها در چارچوب های متفاوت در آن ها اتفاق می افتد و درحقیقت به این فضاها معنی و مفهوم می دهند. فعالیت های انسانی یا به عبارت بهتر الگوهای رفتاری بیش از آنکه تحت تأثیر عوامل محیطی باشند، از عوامل فرهنگی تأثیر می پذیرند، اما نمی توان تأثیر عوامل محیطی را بر آن ها در فضای شهری انکار کرد و این نکته از نظر طراحی شهری اهمیت بسیار زیادی دارد، زیرا با استفاده از طراحی می توان بر فعالیت ها تأثیر گذاشت و فضاهای شهری را به گونه ای شکل داد که ضمن ایجاد زمینه بروز الگوهای رفتاری مناسب، مانع از انجام دادن رفتارهای نامطلوب از سوی شهروندان شوند(سلیمانی و همکاران،۱۳۹۶). یکی از مباحث مهم در ارتباط با فضاهای شهری، مفهوم انسان شناختی و به دنبال آن رفتارشناسی در فضاهای شهری است. فضای شهری، محیطی از ارتباطات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی است که شناخت آن از طریق فرم بصری و میزان اهمیت اجتماعی آن بستگی دارد به میزان ارتباطی، که استفاده کنندگان از فضا در آن برقرار می کند (Alexandru Gavrilidis, 2016).

نحوه انجام یک فعالیت را رفتار گویند. رفتار انسانی برآیندی از انگیزه ها و نیازهای فرد، قابلیت محیط، تصویر ذهنی فرد از دنیای خارج ناشی از ادراک او و معنایی که این تصویر برای او دارد، می باشد. بنابراین هر فعالیت تحت تاثیر شرایط فوق می تواند اشکال مختلفی به خود بگیرد و رفتارهای متنوعی را باعث شود (خطیبی، ۱۳۹۰). الگوهای رفتاری به صورت تخصصی در ارتباط با دانش روان شناسی محیطی قابل مطالعه هستند. روان شناسی محیطی یا اکولوژیکی به عنوان تخصصی میان رشته

به‌نوبه خود، این مناطق فوق‌الذکر هنگامی که به هم پیوسته بودند، به‌طور قابل‌توجهی به رشد و پیشرفت کلی هوش هیجانی در کودک کمک می‌کردند (Farrell, 2015).

۶. هوش هیجانی در گروه‌های سنی

هوش هیجانی از طریق تجربه زندگی آموخته می‌شود. به‌عنوان مثال، افراد بین ۴۰ و ۴۹ سال نمره قابل‌توجهی بالاتر از هوش هیجانی عمومی بالاتر از افراد در گروه سنی ۲۰ تا ۲۹ سال دارند، بار آن از این تئوری حمایت می‌کند که هوش هیجانی با افزایش سن افزایش می‌یابد (Fernández-Berrocal & Extremera, 2006). به‌طور خلاصه، شواهدی وجود دارد که افراد مسن در تنظیم تجربه عاطفی خود و بهینه‌سازی تأثیر مثبت مهارت بیشتری دارند (Ciplak & Atici, 2016). هوش هیجانی با افزایش سن و تجربه افزایش می‌یابد. گل من (۱۹۹۶) می‌توان آن را در بزرگسالی یاد گرفت، پرورش داد و گسترش داد. نشان داده شد که افراد می‌توانند طی دو تا پنج سال توانایی‌های هوش هیجانی خود را تغییر دهند. بار-اون (۲۰۰۰) نتیجه گرفت که جنسیت و سن هر دو بر هوش هیجانی تأثیر دارند (Nayak, 2014). کیتلین، کریستوفر و جوآن (۲۰۱۶) خاطر نشان می‌کنند که هوش هیجانی با افزایش سن افزایش می‌یابد و در دهه ۴۰ و ۵۰ به اوج خود می‌رسد (Al-Elaimat et al, 2018). با افزایش سن، فرد از نظر اجتماعی و احساسی از هوش بیشتری برخوردار می‌شود. یک فرد در بازه‌های سنی مراحل مختلف زندگی را طی می‌کند؛ و

از سویی دیگر، به‌عنوان مجموعه‌ای از مهارت‌ها در نظر گرفته شده است که به ما امکان می‌دهد از احساسات برای پذیرش، درک، تنظیم خلق‌وخوی خود و استفاده از اطلاعات عاطفی برای بهبود فرآیندهای شناختی استفاده کنیم. این توانایی‌ها به فرد امکان می‌دهد تا احساسات را تشخیص و تنظیم کند، خودکنترلی پیدا کند، اهداف تعیین کند، همدلی ایجاد کند، تعارضات را حل کند و مهارت‌های لازم برای رهبری و مشارکت گروهی مؤثر را بسازد (Nayak, 2014; Nam Khanh Giao et al, 2020; A. Fatum, 2008). هوش هیجانی دارای چهار بخش درک احساسات، استدلال با احساسات، درک، حرکت، مدیریت احساسات هوش هیجانی است و دارای چهار ویژگی خودآگاهی، خود مدیریت، آگاهی اجتماعی و مدیریت روابط است (Preeti, 2013). همچنین هوش هیجانی مهارت شناسایی و پاسخگویی به احساسات و روحیات دیگران و همچنین توانایی کمک به دیگران در کنترل احساساتشان است (Haleem & Ur Rahman, 2018) اگر کودکی از احساسات خود آگاه نباشد، تصمیم‌گیری مستدل، کنترل اعمال تکانشی یا گفتن معنای واقعی آن‌ها دشوار خواهد بود. همچنین اگر کودک با احساسات خود ارتباط برقرار نکند، این امر می‌تواند منجر به مشکلات بعدی در حل مسئله و رفتار شود (Lee & Chelladurai, 2016) توانایی کودک در درک احساسات، دسترسی و نشان دادن احساسات، درک احساسات و ایده دانش عاطفی و تنظیم عواطف به‌منظور ارتقا رشد عاطفی و فکری وی تعریف کردند. توانایی‌های کودک در چهار زمینه اصلی احساسات: درک، فهمیدن، ادغام و مدیریت احساسات.

¹ . Golman

² . Bar-On

هر مرحله مشخصه‌ای را نشان می‌دهد که از طریق یادگیری و تجربه به دست می‌آید. درک سطح هوش هیجانی و ماهیت آن در گروه‌های سنی مختلف ضروری می‌شود. افراد مسن نمره بالاتری نسبت به افراد جوان دارند. سن بلوغ نیز به دلیل پیچیدگی‌ها تجربه می‌شود اما بلوغ و تجربه این مرحله را مسئولیت‌پذیرتر می‌کند و قادر است دانش آن‌ها را به خرد تبدیل کند (Sharma & Dhani, 2017). افزایش مشابهی در هوش هیجانی با افزایش سن در کودکان و بزرگسالان مشاهده شد. گل من (۱۹۹۸) اظهار داشت که بین سن و ضریب هوشی رابطه وجود دارد. (Shabani et al, 2011).

۷. مسیریابی

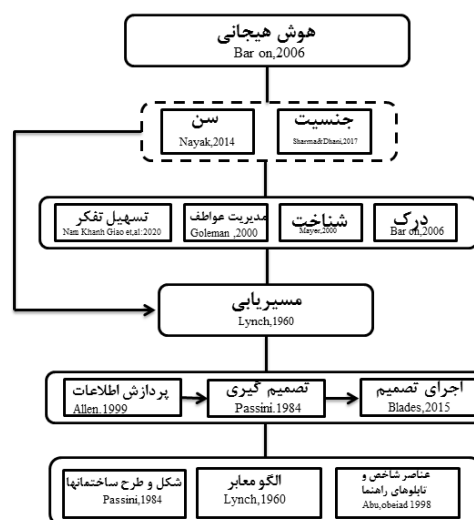
پیدا کردن راه خود در محیط‌های مختلف ضروری است و نیاز به طیف گسترده‌ای از توانایی‌های شناختی دارد (Spiers et al, 2008). یادگیری مسیر شاید یکی از پیش‌نیازهای لازم برای طی کردن این روند موفقیت‌آمیز باشد (Fornara and Manca 2017; Lawton 2010). یادگیری مسیر نوعی احساس هدایت کردن افراد در محیط و توانایی برنامه‌ریزی و دنبال کردن مسیر از یک نقطه به نقطه دیگر هست. یادگیری مسیر دشوار منجر به مشکلات تعیین مسیر و سردرگمی می‌شود. در محیط‌هایی که تعیین مسیر راحت‌تر بوده، تمایل به حضور افراد در فضا افزایش می‌یابد (Carpman and Grant, 2002). تحقیق در زمینه یادگیری مسیر با فرآیندهای شناختی در تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی در ارتباط است و شامل وظایفی نظیر نقشه‌پردازی شناختی، جهت‌گیری به سمت مکان‌های غیرقابل مشاهده، برنامه‌ریزی مسیر یا تصمیم‌گیری برای ترتیب مقصد برای بازدید است (Weisman, 1981; Passini and Proulx, 1988). یادگیری مسیر شامل ایجاد ابزاری برای کمک به پیدا کردن راه خود به بازدیدکنندگان از طریق ساختمان‌ها و فضاهای شهری است. یادگیری مسیر، دانش سازمان‌دهی و تعریف دنباله‌ای از پیام‌های ارسال‌شده و عناصر ارتباطی طراحی‌شده برای ترویج مسیریابی فرد است (Asla & Raphael, 2006). یادگیری مسیر موفقیت‌آمیز می‌تواند دستیابی یا ادامه فعالیت‌های روزمره مانند خرید مواد غذایی، مدیریت امور مالی شخصی یا برقراری ارتباط با دوستان و خانواده باشد. اگر فرد مسن با موانعی در یادگیری مسیر روبرو شود، مشارکت مداوم در چنین فعالیت‌هایی ممکن است با احساس ترس یا انزوا خدشه‌دار شود. (Cheng, 2017). رفتار مسیریابی فردی در نتیجه تعاملات میان ویژگی‌های محیطی و خصوصیات فرد است (Allen, 1999) با توجه به تفاوت در مقیاس‌های روحی و جسمی کودکان در مقایسه با بزرگسالان، درک آن‌ها از نقشه‌های شناختی نیز متفاوت خواهد بود. با افزایش سن کودکان، آگاهی از مسیر نیز به سرعت رشد می‌کند. با افزایش سن، کودکان همچنین در مورد مکان‌ها و مسیرهای خود اطلاعات بیشتری کسب می‌کنند و توانایی آن‌ها در درک تغییرات محیطی افزایش می‌یابد کودکان خردسال مشکلات پیچیده‌ای را در مسیریابی تجربه می‌کنند. درک بهتر از توانایی‌های پیشرفت مسیریابی می‌توان از برای بهبود این مهارت از استراتژی‌هایی استفاده نمود. مهارت را در کودکان بهبود بخشید (Rezaei Liapae et al, 2019). کودکان خردسال مشکلات مسیریابی

اطمینان ۰,۰۵، تعداد افراد نمونه ۲۹۸ مشخص شدند پرسشنامه در دو بخش و بر اساس طیف لیترت ۵ امتیازی تنظیم شده است. در ادامه از پرسشنامه هوش هیجانی مایر و سالوسی نیز در جهت بررسی هوش هیجانی کودکان استفاده شده است. همچنین به منظور سنجش روایی و بررسی پایایی از آلفای کرون باخ استفاده شده است و ضریب آلفای کرون باخ پرسشنامه ۰,۸۳۷ است که بیانگر پایایی و اعتبار مطلوب پرسشنامه است و ضریب مطلوبی برای پایایی پرسشنامه و روایی محتوایی مورد تأیید قرار گرفت. سپس پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS و تحلیل شدند، از آزمون کلموگروف-اسمیرنف، بررسی ضریب همبستگی میان دو متغیر، آزمون لون و تحلیل واریانس Anova تحلیل گردیده است. بررسی پایایی با استفاده از ضریب آلفای کرون باخ صورت می‌گیرد. از آنجایی که مقدار ضریب آلفای کرون باخ شاخص‌ها بالای ۰,۶ و کل پرسشنامه‌ها بالای ۰,۷ هست و در سطح کاملاً مناسبی قرار دارد، بنابراین قابلیت اعتماد (پایایی) این پرسشنامه کاملاً مورد تأیید و قابل قبول هست. در ادامه در جدول شماره ۲ متغیرها و تعداد سؤالات بررسی شده در پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفته است. در این قسمت مقدار ضریب به دست آمده برای متغیرهای تحقیق بعد از انجام روایی به شرح جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۲- ضریب آلفای کرون باخ متغیرهای اصلی تحقیق

نام متغیر	تعداد سؤالات	آلفای کرون باخ متغیرها
هوش هیجانی	۳۳	۰,۷۴۴
یادگیری مسیر	۲۱	۰,۸۰۲

پیچیده‌ای را تجربه می‌کنند. درک بهتر از پیشرفت مسیریابی توانایی‌ها ممکن است استراتژی‌هایی را که می‌توان برای بهبود این مهارت‌ها در کودکان استفاده کرد، اطلاع دهند. مسیریابی توانایی فضایی است که توسط اکثر مردم هرروز استفاده می‌شود مسیریابی شامل مسیرهای یادگیری با موفقیت است و استراتژی‌های مختلفی برای رمزگذاری و یادگیری مسیر وجود دارد (Blades, 2015).

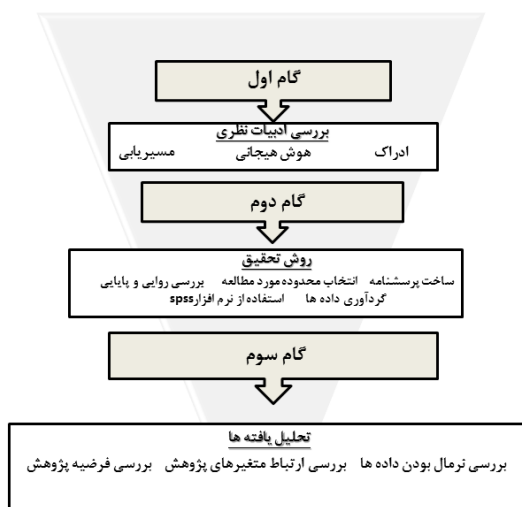


تصویر ۱. چارچوب نظری پژوهش

۸. روش تحقیق

پژوهش حاضر از حیث هدف کاربردی و از نظر ماهیت تحقیق پیمایشی است. جمع‌آوری داده‌ها مبتنی بر مرور منابع معتبر در ارتباط با موضوع پژوهش انجام شده است و شاخص‌ها بر اساس دیدگاه‌های صاحب‌نظران استخراج شده است و در نمونه موردی آزمون انجام شده است. حجم جامعه آماری کودکان ۱۳۱۰ نفر است روش نمونه‌گیری کوکبان و جمعیت کودکان محله به صورت تصادفی که با در نظر گرفتن دقت ۹۵٪ و سطح

و نرم‌افزار تحلیل داده‌ها شده است. در مرحله آخر پژوهش به بررسی نرمال بودن داده‌های جمع‌آوری‌شده، بررسی ارتباط متغیرها و درنهایت به تحلیل داده‌ها در جهت بررسی فرضیه پرداخته شده است.



تصویر ۳. فرآیند روش تحقیق

۹. یافته‌ها

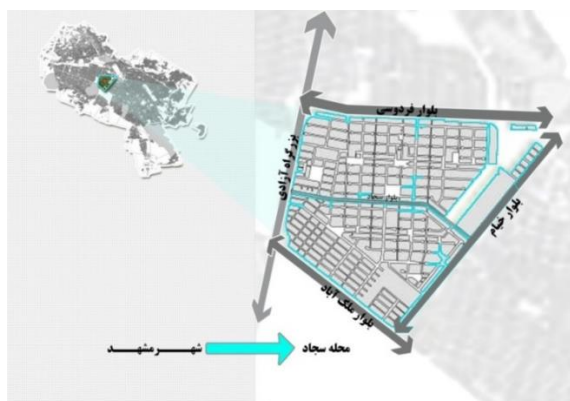
در این بخش و با استفاده از آزمون‌های آماری مناسب به آزمون فرضیات این پژوهش خواهیم پرداخت. در ادامه نتایج این آزمون را برای فرضیات این پژوهش از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف استفاده شده است.

جدول ۳. نتایج آزمون کلموگروف-اسمیرنوف

نام متغیر	تعداد	آماره‌ی آزمون	سطح معناداری
هوش هیجانی	۳۹۸	۰٫۲۸۵	۰٫۲۳۵
یادگیری مسیر	۳۹۸	۰٫۳۷۹	۰٫۱۲۷

کل پرسشنامه	۵۴	۰٫۸۳۷
-------------	----	-------

محله سجاد در حوزه میانه غربی، منطقه ۲ و در ناحیه ۱ واقع است. حدفاصل خیابان‌های آزادی، ملک‌آباد، خیام و فردوسی قرار گرفته است. مهم‌ترین محور فعالیتی در این محدوده خیابان سجاد است. کاربری‌ها در جداره این خیابان به صورت تجاری‌های در ناحیه فعالیت می‌کنند. از کاربری‌های شاخص در سطح حوزه مداخله می‌توان به سازمان هلال‌احمر، بیمارستان مادر، بانک ملی، انتشارات استان قدس، دفتر مرکزی روزنامه خراسان، هتل هما، دانشکده پیراپزشکی، مجموعه‌های ورزشی سجاد و بزرگمهر را اشاره نمود. این خیابان به‌عنوان محور مورد مطالعه به واسطه وجود کاربری‌های تجاری که در سطح منطقه و شهر فعالیت می‌کنند. انتخاب گردیده است.



تصویر ۲. معرفی محدوده

با بررسی‌های صورت گرفته در تصویر شماره ۳، گام اول این پژوهش به بررسی ادبیات نظری پیرامون واژگان کلیدی (ادراک، هوش هیجانی، مسیریابی پرداخته است در گام دوم وارد به بخش روش تحقیق جهت ساخت پرسشنامه، انتخاب نمونه موردی، بررسی روایی و پایایی، گردآوری داده‌ها،

جدول ۴- بررسی مقدار همبستگی بین متغیرهای هوش هیجانی و رفتار

یادگیری مسیر

یادگیری مسیر		
۰,۹۳۵	ضریب همبستگی	هوش هیجانی
۰,۰۰۱	سطح معناداری	
۲۹۸	تعداد	

با مقایسه سطح معناداری به‌دست‌آمده با ضریب خطای ۰,۰۵ (کمتر از ۰,۰۵) می‌توان نتیجه گرفت بین هوش هیجانی و رفتار مسیر دانش آموزان ۱۰-۱۴ ساله رابطه معناداری وجود دارد. مقدار ضریب همبستگی در بررسی ارتباط عبارت از ۰,۹۳۵ با توجه به مثبت بودن عدد ضریب همبستگی نشان از وجود رابطه مستقیم است. با توجه به اینکه هوش هیجانی عبارت است از بیان کیفیت و درک احساسات خویش و دیگران و توانایی اداره‌ی مطلوب خلق‌و‌خو است لذا این هوش مشتمل بر اتخاذ تصمیمات مناسب در زندگی است در ادامه با توجه به اینکه رشد هوش سرعت نامحسوسی دارد و باتجربه‌های کودکان زیاد می‌شود این مقوله تحت تأثیر عوامل مختلفی همچون محیط خانوادگی، نوع تربیت و میران وقت گذاری خانواده است. با توجه نظریه پیاژه که معتقد است تحول شناختی کیفی و معناداری در تفکر کودکان دارد. به نقل از لوریا فرآیندهای رفتاری پیچیده در مغز در ۳ مرحله صورت می‌گیرد مرحله اول پذیرش و توجه است مرحله دوم یکپارچه‌سازی اطلاعات و توانایی مسئله‌گشایی است که با به‌کارگیری حواس به‌منظور تحلیل، کدگذاری و ذخیره‌سازی اطلاعات با استفاده از حواس بینایی، شنوایی، لامسه و تعادل را درگیر و کدگذاری اطلاعات می‌کند. لذا هوش هیجانی به تفاوت‌های افراد در ادراک، پردازش، تنظیم و به‌کارگیری

در آزمون کلموگروف-اسمیرنف فرضیه‌های موردبررسی قرار گرفت و بنابراین با توجه به اینکه سطح معناداری آزمون در تمام متغیرها بیشتر از ۰,۰۵ است فرضیه نرمال بودن مشاهدات (فرض صفر) رد نمی‌شود. در نتیجه از آزمون‌های پارامتریک به‌منظور بررسی فرضیات استفاده می‌شود. با توجه به اینکه هیجان‌ها نوعی اطلاعات هستند. وجود هیجان برای عاقلانه فکر کردن و رفتار مهم است لذا رابطه‌ی میان احساسات و افکار جنبه‌های هیجانی تصمیم‌های لحظه‌به‌لحظه ما را هدایت می‌کند و به‌صورت تنگاتنگ با ذهن خردگرا به‌کاررفته می‌شود. با توجه به اینکه هوش هیجانی قدرتی است که می‌توانیم به عوامل و فشارهای پاسخ مناسب بدهیم. لذا به‌کارگیری هوش هیجانی سبب سهولت رفتار یادگیری مسیر کودکان می‌گردد. هوش هیجانی و هوش شناختی به ترتیب شامل عواملی همچون ادراک، شناخت، قلمروهای شناختی ادراکی است که تأثیر به‌سزایی بر دریافت اطلاعات از محیط می‌گردد. هوش هیجانی سبب ارتباط مناسب با دیگران می‌گردد که این امر نکته قابل‌توجهی در رابطه با یادگیری مسیر به جهت آدرس پرسیدن از راهنمایان مسیر و افراد دارد. از جمله متغیرهای هوش هیجانی می‌توان به مقوله همدلی اشاره نمود که بیانگر ادراک و تمایز به معنای استفاده از اطلاعات به‌منظور شناسایی و تمایز است. از ماتریس همبستگی متغیرها برای بررسی این موضوع که رابطه‌ای بین دو متغیر به لحاظ آماری معنادار است یا خیر، فرضیه‌ها مورد آزمون قرار گرفته است و مقدار ضریب همبستگی نشان‌دهنده رابطه میان دو متغیر موردبررسی در جامعه است.

اطلاعات اشاره دارد. بدین معنا که با افزایش هوش هیجانی، رفتار یادگیری مسیر دانش آموزان نیز افزایش می‌یابد. در نتیجه بین هوش هیجانی و رفتار مسیر دانش آموزان ۱۰-۱۴ ساله رابطه معناداری دارد. تفاوت‌های سنی در تصمیم‌گیری می‌تواند متأثر از فرآیندهای هیجانی دانست. هیجان‌ها تأثیر مستقیم بر تصمیم‌گیری بر کودکان دارند. هیجان‌ها همراه با افزایش سن کودک رشد می‌یابند. با توجه به اینکه همان‌طور که سن کودک بالا می‌رود توانایی شناسایی و درک هیجان‌ها رشد می‌کند. لذا افزایش سن با افزایش هوش هیجانی و همچنین سهولت در فضای شهری را در پی دارد.

جدول ۵- نتایج آزمون لوت به منظور بررسی همگنی واریانس

متغیر	آماره لوت	سطح معناداری
هوش هیجانی	۰,۳۵۶	۰,۵۰۰
یادگیری مسیر	۰,۸۱۹	۰,۳۶۶

برای بررسی همگنی واریانس با توجه به اینکه سطح معناداری به دست آمده بزرگ‌تر از (۰/۰۵) است، بنابراین گروه‌ها نظر واریانس تفاوت معنی‌داری ندارند، بنابراین فرض برابری واریانس جهت انجام آزمون واریانس رعایت شده است. با بررسی صورت گرفته در نتایج به دست آمده با توجه به اینکه هوش هیجانی یکی از ابعاد روان‌شناختی بسیار مهم در فعالیت‌های روزمره از قسمت‌های مختلفی تشکیل شده است که انسان را قادر می‌سازد تا اطلاعات پیچیده را ارزیابی و از آن‌ها به‌عنوان راهنمایی برای تفکر و رفتار استفاده کند. با توجه به اینکه هوش هیجانی درجه‌ای از آگاهی است لذا بر چگونگی حالات هیجانی و عاطفی در حافظه، فکر و رفتارهای میان فردی تأثیرگذار است. با توجه به اینکه فردی که هوش هیجانی بالایی برخوردار است سه مؤلفه شناختی، فیزیولوژیکی

و رفتاری هیجان‌ها را با یکدیگر تلفیق می‌کند. با توجه به اینکه فردی که هوش هیجانی بالایی دارد به‌سادگی ذهن را آرام و شفاف می‌کند و فرآیندهای ذهنی و رفتاری را راحت‌تر درک می‌کند لذا با تفکر، بازآرایی و تغییر اطلاعات و نمادها موجود در حافظه درازمدت رفتار می‌نماید. با توجه به اینکه کالبد محیط در شناخت کودک نقش اساسی دارد و سبب ایجاد حس تعلق می‌گردد ادامه با توجه به اینکه کودکان علاقه به بازی و تعاملات گروهی دارند عوامل مذکور بر رشد هوش هیجانی تأثیر مستقیم دارد. لذا رفتار یادگیری مسیر پیرامون مبحث هوش هیجانی در کودکان همپوشانی دارد لذا در فرآیند یادگیری مسیر در ابتدا اطلاعات محیطی را دریافت، در ادامه تحلیل اطلاعات و تصمیم‌گیری و در مرحله نهایی اجرای تصمیم است. کودکانی که هوش هیجانی بالایی دارند از طریق سرنخ‌ها و محرک‌های محیطی آسان‌تر می‌توانند اطلاعات هیجانی و محیطی را دریافت و تحلیل کند و سریع‌تر نسبت به افراد واکنش نشان می‌دهند. لذا اکثر کودکان با افزایش سن خودآگاهی بیشتری دست می‌یابند و با بالا رفتن سن راحت‌تر می‌توانند هیجان‌ها و رفتارهای خود را کنترل کنند. لذا هرچه سن بالاتر می‌رود توانایی ذهن افزایش می‌یابد و رمزگذاری و ذخیره‌سازی اطلاعات با حواس بینایی و شنوایی را ایجاد می‌کند. کودکان همانند بزرگسالان مدام با موقعیت‌های تصمیم‌گیری در زندگی روزانه خود روبرو می‌شوند و ناگزیرند از بین گزینه‌های مختلفی که در پیش رو دست به انتخاب بزنند و درواقع یکی از معیارهای سنجش رفتار عقلانی کودکان تصمیماتی است که اتخاذ می‌کنند. کودکان در فرآیند تصمیم‌گیری به اطلاعات نامربوط و غیر مهم توجه می‌کنند.

کودکان در فضای شهری است. بعد کالبدی و معنایی عناصر شاخص نیز در یادگیری مسیر کودکان ۱۴-۱۲ سال وجود دارد. لذا نتایج بیانگر آن است که هرچه هوش هیجانی بالاتری کودکان داشته باشند، یادگیری مسیر دقیق‌تری در فضای شهری خواهند داشت. چهارراه‌ها و گره‌های ترافیکی از جمله موارد مورد اشاره در مسیریابی کودکان ۱۲-۱۰ سال است. توانایی شناختی کودکان با افزایش سن کودکان افزایش می‌یابد و تأثیر مستقیمی بر رفتار کودک ایفا می‌نماید با توجه به اینکه هیجان با مجموعه‌ای از ارزیابی شناختی همراه است که زمینه نفوذ بر تصمیم‌گیری را از طریق مکانیسم‌های روان‌شناختی پویا فراهم می‌آورد. توانایی شناختی کودک فرآیند تصمیم‌گیری را پشتیبانی می‌کند. بر اساس تحلیل‌های صورت گرفته ۱۲-۱۰ و ۱۴-۱۲ سال در فرآیند مسیریابی نتایج حکایت از آن دارد که عناصر بررسی راهنما و مورد استفاده در مسیریابی در دو گروه سنی تفاوت دارند و گروه سنی ۱۴-۱۲ سال ذهن تحلیل‌گری دارند و در مقابل گروه ۱۰-۱۲ سال به صورت جستجوگری و توجه به راز آمیزی تعیین مسیر می‌کنند. گروه سنی ۱۴-۱۲ سال قدرت استدلال بیشتری در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری سفر دارند و با دقت بیشتر سفر را برنامه‌ریزی می‌کنند. این گروه منطق بیشتری در رفتار دارند و با اعتمادبه‌نفس بالاتر و با استفاده از مهارت‌های هیجانی و شناختی تعیین مسیر می‌کنند. این در حالی است که گروه سنی ۱۰-۱۲ سال آرمان‌گرا هستند و با استفاده از تجربیات گذشته با سرعت بیشتری توانایی تعیین مسیر دارند. این افراد به دلیل ویژگی‌های شناختی و عاطفی و هیجانی اعتمادبه‌نفس کمتری در تعیین مسیر دارند. در ادامه با توجه اینکه گروه سنی ۱۲ تا

ادراک فضا کار بسیار دشواری است. کودک باید در عین حال، هم خود را از دنیای اطرافش تمیز دهد و هم این تجربه را تجزیه تحلیل کند. این عمل را به وسیله شناختن اشیاء اطرافش انجام می‌دهد و برای موفقیت در این تجربه او نیاز به همه احساس و هوشش دارد درک کودک از فضا، از طریق تجربه و مشاهدت مستقیم هست و به‌طور کلی کودک فضا را با حواسش درک می‌کند. کاوش و جستجو در محیط برای درک آن، از ارزش‌های حیاتی برای شکل‌گیری شخصیت کودک و درک و فهم دنیای پیرامون او برخوردار است. ریشه‌ای ادراک محیط از کودکی در انسان دیده می‌شود و بر اساس یافته‌های تجربی روانشناسان محیط، به دوره‌های دیگر رشد انسان بسط داده می‌شود با بررسی‌های صورت گرفته در نتایج تحلیل یافته‌ها گروه سنی ۱۲-۱۰ سال در یادگیری مسیر از دانش مسیر و دانش نشانه استفاده می‌نمایند به صورتی که به شکل راه‌ها و مسیرها، نشانه از لحاظ شکل ابنیه، مقیاس انسانی بنا به لحاظ ابعاد و بازوهای ابنیه استفاده می‌نمایند. در ادامه با توجه به اینکه با در سنین بالاتر کودکان در یادگیری مسیر به جزئیات بیشتری توجه می‌نمایند کودکان ۱۲-۱۴ سال درک نظم فضایی و توانایی تشخیص جهت‌ها در راستای یادگیری مسیر را دارند به ابعاد و اندازه بناها در حین رفتار یادگیری مسیر توجه می‌نمایند از مسیرها و نام معابر برای یادگیری مسیر استفاده می‌کنند توانایی جهت‌یابی در یادگیری مسیر را دارند به عناصر شاخص به لحاظ عملکرد و نقش آن‌ها در فضای شهری توجه می‌نمایند. کودکان ۱۴-۱۲ سال در یادگیری مسیر به ابعاد و رنگ نمای ساختمان‌ها توجه می‌کنند. کالبد متمایز ابنیه از جمله عوامل یادگیری مسیر

۱۰ سال به دلیل کم بودن سن آن‌ها دید فضایی نسبتاً خوبی از محدوده دارند از دانش مسیر و دانش نشانه استفاده می‌نمایند. گروه سنی ۱۴ تا ۱۲ سال که سن آن‌ها نسبتاً بالاتر است ترجیح به استفاده از دانش پیمایشی و توانایی فضایی در تعیین جهت‌گیری خوددارند.

جدول ۶- استراژی یادگیری مسیر در سنین مختلف

گروه سنی	دانش مسیر	دانش نشانه	دانش پیمایشی	توانایی فضایی
۱۲-۱۰	*	*		
۱۴-۱۲	*	*	*	*

فرضیه موردبررسی اینکه هوش هیجانی و رفتار یادگیری مسیر بین دو گروه سنی اختلاف معناداری وجود دارد؛ و با استفاده از آزمون آن‌ها، بررسی مجموع مربعات و میانگین مربعات به بررسی رابطه معناداری میان هوش هیجانی و رفتار یادگیری مسیر پرداخته شده است.

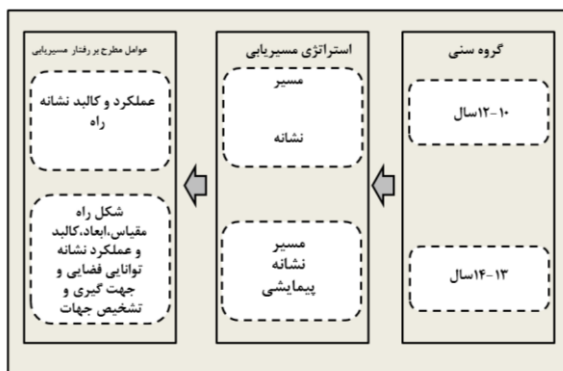
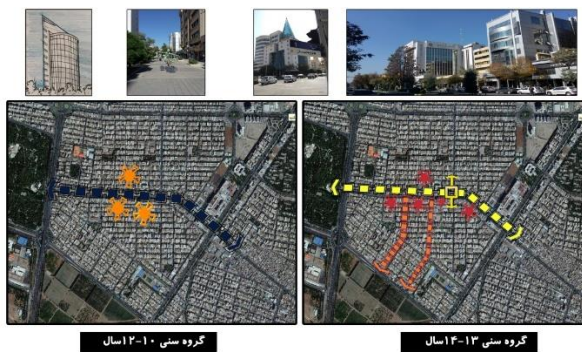
جدول شماره ۷: نتایج تحلیل واریانس (ANOVA)

منبع تغییرات	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	سطح معناداری
هوش هیجان	میان گروه‌ها	۷,۴۱۵	۱	۷,۴۱۵	۰۰۰
	درون گروه‌ها	۱۲۸,۳۰۴	۲۹۶	۴۳۳	
	کل	۱۳۵,۷۱۹	۲۹۷		
یادگیری مسیر	میان گروه‌ها	۲,۰۵۶	۱	۲,۰۵۶	۰۴۲
	درون گروه‌ها	۱۴۵,۷۵۸	۲۹۶	۴۹۲	
	کل	۱۴۷,۸۱۴	۲۹۷		

سطح معنی‌داری به دست آمده نشان می‌دهد بین هوش هیجانی و رفتار یادگیری مسیر دو گروه سنی رابطه معناداری وجود دارد ($P\text{-value} < 0.05$). نتیجه آزمون به این معنی

است، هوش هیجانی و رفتار مسیریابی بین دو گروه سنی ۱۰-۱۲ و ۱۴-۱۲ سال اختلاف معناداری وجود دارد. هوش هیجانی به تفاوت افراد در پردازش، ادراک، تنظیم مدیریت هیجان اشاره دارد. در ادامه به بررسی‌های بیشتر در هوش هیجانی بیانگر این امر است که مجموعه‌ای از توانایی‌های شناختی و هیجانی به هم پیوسته است که به فرد می‌کند تا با دریافت، ارزیابی و بیان دقیق هیجان‌ها از احساس‌های تسهیل‌کننده آگاهی یابد و با برقراری توازن بین افکار و هیجان‌های خود تصمیم‌گیری عاقلانه‌ای داشته باشند. با توجه به تعریف مایر و سالوسی در سال ۱۹۹۰ پیرامون هوش هیجانی لذا این مقوله در رابطه با رفتار مسیریابی در محله سجاد در بین کودکانی که در سن ۱۲-۱۰ و ۱۴-۱۲ سال می‌باشند مشاهده می‌گردد. با توجه به اینکه هوش هیجانی به چگونگی دریافت و پردازش از محیط است لذا با توجه به افزایش سن در کودکان مسیریابی راحت‌تری در فضای شهری دارند. هرچه سن کودک افزایش یابد توانایی بیشتری در پردازش اطلاعات دارند. در نتیجه فرضیه تحقیق تأیید می‌شود و هوش هیجانی و رفتار یادگیری مسیر بین دو گروه سنی اختلاف معناداری وجود دارد. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته هرچه سن کودک بالاتر می‌رود یکسری تفاوت‌ها در ادراک او به وجود می‌آید لذا با افزایش سن یادگیری مسیر با جزئیات بیشتری در فضای شهری صورت می‌گیرد. افزایش هوش هیجانی با بالا رفتن سن و همچنین بالا رفتن سطح خودآگاهی ابتکار عمل در مسیریابی کودکان بیشتر می‌شود. لذا نتایج بیانگر آن است که هرچه هوش هیجانی بالاتری کودکان داشته باشند، مسیریابی دقیق‌تری در فضای شهری خواهند

سنی از جمله کالبد به مقیاس انسانی نشانه‌ها از جهت ابعاد توجه بسیاری دارند. این گروه سنی در عملکرد جهات بسیار توانمند هستند درک فضایی خوبی از محیط دارند که این موضوع راهنمای خوبی در استفاده از استراتژی پیمایشی و نشانه در تعیین مسیر می‌شود. این گروه به دلیل تشخیص جهت گیری مسیریابی موفق آمیز تری نسبت به گروه سنی ۱۰-۱۲ سال دارند. با توجه به اینکه گروه سنی ۱۳-۱۴ سال توانایی درک فضایی بهتری دارند و دایره‌ی ادراک آنها از محیط بسیار گسترده می‌باشد لذا در مسیریابی خود به نشانه‌های بیشتری توجه می‌نمایند و در انتخاب مسیر نیز به معابر فرعی موجود در محله توجه قابل توجهی دارند.

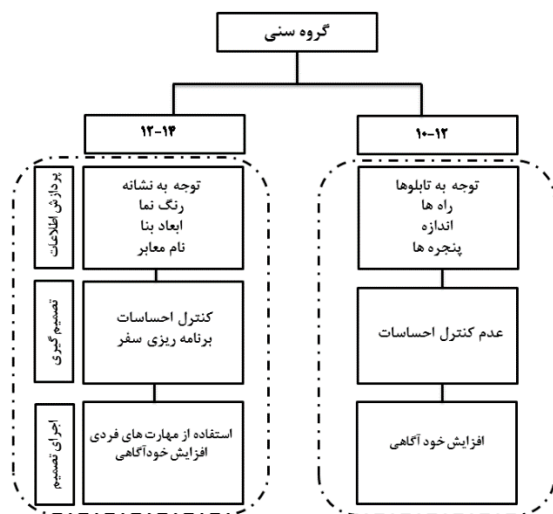


بررسی استراتژی رفتار مسیریابی کودک در دو گروه سنی

داشت. با بررسی‌های صورت گرفته در نتایج به دست آمده گروه سنی ۱۴-۱۲ این گروه از افراد با توجه به اینکه سن انسان با ادراک او از محیط رابطه مستقیم دارد. لذا با توجه به اینکه سن این کودکان بالا است درک بیشتری از محیط دارند؛ و به جزئیات بیشتری از محیطی اشاره می‌نمایند. از جمله عناصر اشاره شده در ادراک ذهنی کودکان ۱۴-۱۲ سال می‌توان به بانک ملی، آمبیه سجاد و ساختمان بانک آینده اشاره نمود. در ادامه این گروه سنی به نام معابر محله سجاد که مدرسه آنها در این معابر واقع شده است اشاره نموده‌اند که از جمله این معابر حامد جنوبی و بزرگمهر جنوبی است. در ادامه گروه سنی ۱۲-۱۰ سال به عناصری که نوبنیاد و دارای کالبد و نمای متمایز هستند اشاره نموده‌اند از جمله این نشانه‌ها همچون بستنی عسل، آب انار و بانک ملی می‌توان اشاره نمود. رنگ‌های به کاررفته در این ابنیه سبب تمایز نمای آنها نسبت به سایر عناصر شده است. گروه سنی ۱۲-۱۴ سال از جهت گیری (شمال و جنوب و...) و همچنین جهت یابی بر اساس چپ، راست، بالا و پایین در فرآیند یادگیری مسیر استفاده می‌کنند. تحلیل الگوی رفتار مسیریابی کودکان گروه‌های سنی مختلف از کودکی تا نوجوانی درک متفاوتی از محیط دارند و استراتژی‌های مسیریابی و بازنمایی ذهن آنها تفاوت دارد. گروه سنی ۱۰ تا ۱۲ سال در تشخیص و انتخاب نشانه‌هایی که دارای کالبد و عملکرد متمایز بسیار توانمند می‌باشند پیرامون رفتار مسیریابی کودکان ۱۰-۱۲ سال این گروه سنی معبر اصلی خیابان را در مسیریابی خود استفاده نمودند. در ادامه الگوی رفتاری کودکان ۱۳-۱۴ سال نشانگر استفاده از نشانه‌های متمایز به لحاظ عملکردی و کالبدی می‌باشد لذا این گروه

۱۰. نتیجه گیری

نحو که پسرها در راهبردهای تصمیم‌گیری از نمره‌ی بالاتری نسبت به دخترها برخوردار بودند اشاره نموده‌اند. سیلوا^۱ و همکاران (۲۰۱۹) در مقاله‌ای تحت عنوان جهان را از نگاه یک کودک مشاهده کنید: یادگیری از نقشه‌های شناختی کودکان برای طراحی دستگاه‌های مکان‌یابی برای کودک، در جهت دستیابی به ایجاد نقشه‌های دیجیتالی در زمینه‌ی دستگاه‌های موقعیت‌یابی و مسیریابی برای کودکان است. در این پژوهش به تحلیل نقاشی‌های کودکان پرداخته شده است. کودکان در نقشه‌های شناختی خود به مناظر شهری، مسیریابی با کمک نقاط شاخص، توجه به نقاط شاخص، نشانه‌ها، معماری متمایز، عناصر طبیعی، نشانه‌های دیدنی اشاره نموده‌اند. از دیدگاه نوردستروم^۲ (۲۰۰۹) در پژوهش خود نظام شهری منعطف که نظرات کودکان را در تصمیم‌گیری‌ها لحاظ کرده و بستر مشارکت برای کودکان فراهم می‌آورد، مانند شوراهای پروژه‌های مشارکتی متنوع اشاره نموده است.



نمودار ۴- تفاوت گروه‌های سنی ۱۲-۱۰ سال و ۱۴-۱۲ در انتخاب مسیر در فضای شهری

طاهر و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود به مقایسه هوش هیجانی و خلاقیت دانش آموزان تیزهوش و دانش آموزان باهوش متوسط پرداخته است. از جمله تفاوت‌های هوش هیجانی و خلاقیت دانش آموزان بر اساس تفاوت‌های دو گروه در توانمندی‌های شناختی هست. در این پژوهش ذکر شده است که به مقداری که هوش هیجانی کودکان افزایش یابد، آنان به موفقیت‌های بالایی دست پیدا می‌کنند و جامعه‌ی خود را به سطح بالاتر ارتقاء می‌دهند. نتایج پژوهش‌هایش خواهد یافت. ارتباط مستقیمی با یافته‌های پژوهش حاضر دارد با توجه به اینکه به میزانی که سن کودک افزایش یابد توانایی‌های ذهنی او نیز افزایش می‌یابد. قنبری هاشم‌آبادی (۱۳۹۰) در پژوهش خود به تفاوت معناداری بین کودکان پرورشگاهی و عادی در مؤلفه‌های خودآگاهی، خودشکوفایی، همدلی، شادکامی، حل مسئله، خوش‌بینی، انعطاف‌پذیری و مسئولیت‌پذیری به‌عنوان مؤلفه‌های هوش هیجانی وجود دارد. کودکان عادی هوش هیجانی بالاتری نسبت به کودکان پرورشگاهی دارند. دیزی (۱۳۹۰) در پژوهش خود بیان نموده است که شناخت عوامل ذهنی و روان‌شناختی مؤثر در طراحی معماری از شاخص‌های مهم آموزش معماری است. نتایج این پژوهش در راستای تحلیل رفتار مسیریابی کودک در فضای شهری رویکردی همانند پژوهش ذکر شده دارد. گوراب زرمی (۱۳۹۵) در پژوهش خود به تأثیر آموزش نمایش خلاق بر اختلالات رفتاری و هوش هیجانی کودکان پیش‌دبستانی تأثیر داشته است به طوری که موجب کاهش اختلالات رفتاری و افزایش هوش هیجانی در آنان شده است. شیخ‌الاسلامی و همکاران (۱۳۹۶) در نتایج پژوهش خود به شرایط هیجانی اثر معنادار بر راهبردهای تصمیم‌گیری کودکان ندارد. جنسیت تأثیر معناداری بر راهبردهای تصمیم‌گیری نشان داد. به این

^۱ - Silva

^۲ Nordstrom

بروز رفتار یادگیری مسیر در محیط دارند. این گروه خودآگاهی بالاتری نسبت به گروه سنی ۱۰-۱۲ دارند. پیشنهادها

- طراحی فضاهای بازی در جهت تقویت روابط بین فردی و افزایش تعاملات اجتماعی

- ایجاد فضاهای مسقف در سطح شهر برای ۴ فصل سال به منظور خودتنظیمی و آگاهی از ابراز احساسات کودکان

- ایجاد فضاها و مکان‌ها با اشکال متفاوت در جهت درگیری ذهن کودکان به منظور ارتقاء حس مسئله‌گشایی

- افزایش خودآگاهی کودکان با طراحی المان‌های راهنمای مسیریابی

- طراحی دیوار نقاشی برای کودکان در جهت ایجاد جذابیت محیطی با استفاده از جداره‌های خیابان در جهت تقویت احترام به یکدیگر و خودکنترلی

- تقویت مهارت‌های درون فردی و خودشکوفایی کودک از طریق طراحی مسیر

- استفاده از کفپوش مناسب با طرح و شکل احجام به منظور تحریک حس کنجکاوی کودک

در پاسخ به سوال مطرح شده در بخش مقدمه پژوهش این پژوهش به این نتیجه رسیده است که گروه‌های سنی مختلف کودکان درک متفاوتی از محیط دارند بدین صورت که هرچه سن افزایش یابد دایره‌ی ادراک کودک نیز گسترش می‌یابد. گروه‌های سنی ۱۰-۱۲ و ۱۲-۱۴ سال درک متفاوتی از فضای شهری دارند، بازنمایی ذهنی و یادگیری مسیر آن‌ها در محیط متفاوت است. گروه سنی ۱۰-۱۲ از دانش مسیر و دانش نشانه در یادگیری مسیر خود استفاده می‌کنند. آنان در یادگیری مسیر خود از تابلوها، راه‌ها و فرم و شکل بنا و همچنین از معابر استفاده می‌کنند. این گروه سنی به دلیل کم بودن سن برنامه‌ریزی سفر دقیقی در رفتار مسیریابی خود ندارند. از جمله مؤلفه‌های مؤثر در هوش هیجانی آنان پیرامون موضوع مسیریابی خودآگاهی است. گروه سنی ۱۲-۱۴ سال با توجه به اینکه سن آن‌ها نسبتاً بالاتر است در رفتار یادگیری مسیر فواصل، جهت‌گیری خود را با تأکید ابعاد بنا و نام معابر بروز می‌دهند. این گروه سنی از برنامه‌ریزی دقیق‌تری برای مسیریابی بر اساس دانش مسیر، نشانه و پیمایشی استفاده می‌کنند. گروه سنی ۱۲-۱۴ سال اعتماد به نفس بالاتری در

منابع

- شمس دولت ابادی، ح، مظفر، ف، ملک، ن، صالح صدق پور، ب، ویژگی ها و عناصر طراحی فضاهای باز کودکان دبستانی بر اساس هوش هیجانی در فرآیند یادگیری از دیدگاه متخصصان، نشریه علمی فناوری آموزش، جلد ۱۳، شماره ۲، بهار ۱۳۹۸.
- غنائی، ز، فراهانی، م، عبداللهی، م، شکری، ا، اثر خستگی شناختی و هوش هیجانی بر حل مسایل شناختی، مجله تازه های علوم شناختی، سال ۶، شماره ۳، ۱۳۸۳.

- اسماعیل زاده کواکی، ع؛ میرشکاری، محمد و امیری نژاد، م، ارزیابی شاخصهای شهر دوستدار کودک از منظر معماری و شهرسازی اسلامی در عصر جدید، همایش معماری و شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت معماری بومی تا شهر پایدار، ۱۳۹۲.
- جوهر تیموری، ا، ثقه الاسلامی، ع، علی پور، ح، بررسی راهکارهای تامین نیازهای کودکان در عرصه عمومی محله با تأکید بر ارتقاء پایداری اجتماعی، همایش معماری و شهرسازی توسعه پایدار با محوریت از معماری بومی تا شهر پایدار، موسسه آموزش عالی خاوران مشهد، ۱۳۹۲.
- پاکزاد، ج، بزرگ، ح، (۱۳۹۵)، الفبای روانشناسی محیط برای طراحان، انتشارات آرمانشهر.
- شاهچراغی، آ، (۱۳۸۸)، تحلیل فرآیند ادراک محیط باغ ایرانی براساس نظریه روانشناسی بوم شناختی، نشریه هویت شهر، سال سوم، شماره پنجم، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، صص ۸۴-۷۱.
- میرزایی، م، صالحی، م، یزدانی، م، بررسی تاثیر هوش معنوی و هیجانی مدیران بر عملکرد مالی شرکت ها، نشریه حسابداری سلامت سال ۱۳۹۶، دوره ۶، شماره ۶، صفحه ۶۸-۸۷.
- زینعلی، ش، خسروجاوید، م، هوش هیجانی و سبک های حل مسئله در معتادان، روان شناسی تحولی روان شناسان ایرانی تابستان ۱۳۸۹ - شماره ۲۴.
- گلشیری، پ، زمانی، ا، شیرانی بیدآبادی، م، ارتباط هوش هیجانی و مولفه های روان نشاhtی در نوجوانان، مجله دانشکده پزشکی اصفهان، دوره ۳۴، شماره ۴۰۹، بهمن ۱۳۹۵.
- سپاسیان، ح، شیخ الاسلامی، ر، نقش هیجان در تصمیم گیری کودکان، مجله روانشناسی معاصر، ۱۳۹۶.
- خطیبی، م، تاثیر متقابل الگوهای رفتاری در احیای هویت شهر مطالعه موردی محدوده ورودی سنندج، مجله هویت شهر، شماره سیزدهم، سال هفتم، بهار ۱۳۹۲.
- برومند، م، طغیانی، ش، صابری، ح، ارزیابی تاثیرات مولفه های فضای شهری بر شکل گیری الگوهای رفتاری با تأکید بر جنسیتی شدن آن، نونه موردی منطقه ۲ تهران، مجله مدیریت شهری، شماره ۴۶، بهار ۱۳۹۶.
- سلیمانی، ع، افتاب، ا، اسدی عیسی کان، م، مجنونی، ع، بررسی تاثیر طراحی شهری بر رفتار و اخلاق شهروندان مطالعه موردی: خیابان های امام، مدرس و کاشانی ارومیه، پژوهش های جغرافیای برنامه ریزی شهری، دوره ۵، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۶.
- Abu-Obeid, N. (1998). Abstract and sceneographic imagery: The effect of environmental form on wayfinding. *Journal of Environmental Psychology*, 18, 159-173.
- Al-Elaimat, A., Adheisat, M., & Alomyan, H. (2018). The relationship between parenting styles and emotional intelligence of kindergarten children. *Early Child Development and Care*.

- Alexander Segal, R (2015). PLAYFINDING Child-Friendly Wayfinding as a Tool for Children's Independent Mobility in the Exchange District of Winnipeg, Manitoba, Department of City Planning Faculty of Architecture University of Manitoba Winnipeg.
- Allen, G. L. (1999). Spatial abilities, cognitive maps, and wayfinding. *Wayfinding behavior: Cognitive mapping and other spatial processes*, 4680, 46-80.
- Athanasios, A, Cristiana Maria C, Mihai Răzvan ,N, Diana Andreea, O, Irina Iulia, N (2016). Urban Landscape Quality Index – planning tool for evaluating urban landscapes and improving the quality of life 155-167.
- Bar-On, R. E., & Parker, J. D. (2000). *The handbook of emotional intelligence: Theory, development, assessment, and application at home, school, and in the workplace*. Jossey-Bass.
- Bar-On. (2006). The Bar-On Model of Emotional-Social Intelligence (ESI). *Psicothema*, 18, 13-25.
- Carpman, J., & Grant, M. (2002). Wayfinding woes. *Common obstacles to a successful wayfinding system. Health Facilities Management*, 15 , 22–25.
- Dhani, P., & Sharma, T. (2017). Effect of Emotional Intelligence on Job Performance of IT employees: A gender study. *Procedia computer science*, 122, 180-185..
- Dolev, n, (2012). DEVELOPING EMOTIONAL INTELLIGENCE COMPETENCIES IN TEACHERS THROUGH GROUP-BASED COACHING Thesis submitted for the degree of Doctor of Philosophy at the University of Leicester.
- Esmailzadeh Kowaki, A., Mirshkari, M. and Amirnejad, M. (2012). Evaluation of child-friendly city indicators from the perspective of Islamic architecture and urban planning in the new era, National Conference on Architecture, Urban Planning and Sustainable Development with a focus on native architecture to a sustainable city. Mashhad, <https://civilica.com/doc/239239>. [in Persian]
- Esra, U. Ç. A. K., & Yildirim, L. (2020). Investigation of the Level of Secondary School Students' Emotional Intelligence in Terms of Different Variables. *International Journal of Psychology and Educational Studies*, 7(1), 182-207.
- Extremera, N., Fernández-Berrocal, P., & Salovey, P. (2006). Spanish version of the Mayer-Salovey-Caruso Emotional Intelligence Test (MSCEIT). Version 2.0: reliabilities, age and gender differences. *Psicothema*, 18, 42-48.
- Fatum, B. A. (2008). *The relationship between emotional intelligence and academic achievement in elementary-school children*. University of San Francisco.
- Fiori, M., & Vesely-Maillefer, A. K. (2018). Emotional intelligence as an ability: Theory, challenges, and new directions. In *Emotional intelligence in education* (pp. 23-47). Springer, Cham.
- Fiorilli, C., Farina, E., Buonomo, I., Costa, S., Romano, L., Larcan, R., & Petrides, K. V. (2020). Trait emotional intelligence and school burnout: the mediating role of resilience and academic anxiety in high school. *International journal of environmental research and public health*, 17(9), 3058.

- Giao, H. N. K., Vuong, B. N., Huan, D. D., Tushar, H., & Quan, T. N. (2020). The effect of emotional intelligence on turnover intention and the moderating role of perceived organizational support: Evidence from the banking industry of Vietnam. *Sustainability*, 12(5), 1857.
- Goleman, D., & Cherniss, C. (2001). *The emotionally intelligent workplace: How to select for, measure, and improve emotional intelligence in individuals, groups, and organizations* (pp. 121-128). San Francisco, CA: Jossey-Bass.
- Johari Timuri, AL, Thagha Al-Islami, Aw Alipour, H. (2012). Examining the solutions to meet the needs of children in the public area of the neighborhood with an emphasis on promoting social sustainability. Mashhad, <https://civilica.com/doc/239282>. [in Persian]
- Lee, Y. H., & Chelladurai, P. (2016). Affectivity, emotional labor, emotional exhaustion, and emotional intelligence in coaching. *Journal of applied sport psychology*, 28(2), 170-184.
- Lynch, K (1960). *The Image of the City*. The MIT Press: Massachusetts Institute of Technology.
- Mayer, J. D., Caruso, D. R., & Salovey, P. (1999). Emotional intelligence meets traditional standards for an intelligence. *Intelligence*, 27(4), 267-298.
- Nasir, M., & Masrur, R. (2010). An exploration of emotional intelligence of the students of IIUI in relation to gender, age and academic achievement. *Bulletin of education and research*, 32(1).
- Nasir, M., & Masrur, R. (2010). An exploration of emotional intelligence of the students of IIUI in relation to gender, age, and academic achievement. *Bulletin of Education & Research*, 32, 37-51.
- Nayak, M. (2014). Impact of culture linked gender and age on emotional intelligence of higher secondary school adolescents. *International Journal of Advancements in Research and Technology*, 3(9), 64-79..
- Otahel, J., IRA, V., Hlavata, Z., Pazur, R. (2018). Visibility and perception analysis of city monuments: The case of Bratislava city centre (Slovakia), *MORAVIAN GEOGRAPHICAL REPORTS*, 55-68.
- Pakzad, J., Bozorg, H. (2015), *The Alphabet of Environmental Psychology for Designers*, Armanshahr Publications. [in Persian]
- Passini, R. (1984a). *Wayfinding in Architecture*. NY: Van Nostrand Reinhold.
- Passini, R., Proulx, G., & Rainville, C. (1990). The spatio-cognitive abilities of the visually impaired population. *Environment and Behavior*, 22 (1), 91-118. doi: 10.1177/0013916590221005 .
- Preeti, B. (2013). Role of emotional intelligence for academic achievement for students. *Research Journal of Educational Sciences*, 2321, 0508.
- Rahman, M. K. U., & Haleem, F. (2018). On the relationship between emotional intelligence and job satisfaction. *Middle East Journal of Business*, 13(2), 13-17.
- Rezaei Liapae, S., Askarizad, R., & Alborzi, F. (2020). Investigation of Physical Factors Affecting the Wayfinding of Educational Spaces Children aged 7-12 years old in Rasht, North of Iran. *International Journal of Pediatrics*, 8(1), 10689-10704..

- Shabani, J., Hassan, S. A., Ahmad, A., & Baba, M. (2011). Moderating Effect of Age on the Link of Emotional Intelligence and Mental Health among High School Students. *International Education Studies*, 4(2), 82-88.
- Shahcheraghi, A (1388). Analysis of the perception process of the Iranian garden environment based on the theory of ecological psychology. *City Identity*, 3(5), 71-84. [in Persian]
- Spiers, H. J., & Maguire, E. A. (2008). The dynamic nature of cognition during wayfinding. *Journal of Environmental Psychology*, 28 (3), 232–249. doi: 10.1016/j.jenvp.2008.02.006 .

Analyzing the role of perceptual-cognitive factors on children's behavior patterns with emphasis on emotional intelligence

Case study: Sajjad neighborhood of Mashhad

Shima Abedi^{1*}, Toktam Hanaee²

Received: 31 October 2022

Revise Date: 19 February 2023

Accepted: 04 March 2023

Abstract

Considering the cognitive abilities of children in the urban space, which includes receiving, perception and behavior, the combination of emotional intelligence and the behavior of learning the path in urban spaces for children is the basis for paying attention to important values such as information processing, decision making and decision implementation. This research deals with the effect of the role of perceptual-cognitive factors on children's behavioral patterns with an emphasis on emotional intelligence in Sajjad neighborhood. The research method in the present study is descriptive-analytical, and in this regard, in order to collect data, field observations, questionnaires, and site visits are used, which is Cochran's random sampling method and the completion of Mayer and Salvi's emotional intelligence questionnaire, which is designed as a 5-option questionnaire. In this research, it was completed by 298 children who are 10-14 years old from the statistical population of 1310 people. After collecting the data, the collected questionnaires were analyzed using SPSS software, the method of testing and checking the hypotheses of the analysis was using the Kolmogorov-Smirnov test, checking the correlation coefficient between two variables, Lüne's test and Anova analysis of variance. Cronbach's alpha was analyzed. The result of the questionnaire is 0.837. In the findings of the quantitative analysis, it seems that there is a direct relationship between children's path learning and increasing age in emotional intelligence. The age group of 12-14 years has higher self-confidence in the occurrence of path learning behavior in the environment. This group has higher self-awareness than the age group of 10-12. To the extent that children have higher emotional intelligence, they have greater ease in way finding behavior in urban spaces.

Keywords: perception, emotional intelligence, children, Sajjad neighborhood, path learning

¹ PhD student, Department of Urban Planning, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

² Associate Professor of Urban Planning Department, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. (Corresponding author) toktamhane@yaho.com